

جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد

۲۷ مجید رضایی*

چکیده

ظهور انواع نظریات درباره دولت در عرصه اقتصاد در دوران معاصر، لزوم روشن ساختن جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی و مقایسه آن با دیگر نظریات را ضرور ساخته است. مقاله با بیان ویژگی‌های کلی دولت در مکاتب مرکانتالیست، فیزیوکرات، کلاسیک، مکتب تاریخی، نئوکلاسیک، کینز، دولت رفاه، هزینه مبادله اطلاعات، انتخاب عمومی یا مکتب اقتصادی سیاست ضمن بیان اهداف، وظایف، اختیارات و منابع در اختیار دولت اسلامی، تفاوت‌های دولت اسلامی را با دیگر دولت‌ها روشن می‌سازد. مقایسه در موارد هدف نهایی فعالیت دولت، مالکیت منابع، اصل عقلایی دخالت دولت، دیدگاه درباره دولت، رابطه دولت و بخش خصوصی، سیاست‌گذاری، تأمین اجتماعی و رفع فقر و بی‌عدالتی، تولید کالاهای عمومی، تولید کالاهای دارای انحصار طبیعی، توزیع مجدد درآمد، توزان اجتماعی و شیوه تصمیم‌گیری صورت گرفته و نشان می‌دهد که دولت اسلامی مشترکاتی با برخی دولت‌ها دارد؛ اما نمی‌توان آن را جزو یکی از آن دیدگاه‌ها دانست؛ بلکه نظریه دولت اسلامی در عرصه اقتصاد به جهت تفاوت در اهداف، شیوه‌ها، ابزارها استقلال کامل دارد.

واژگان کلیدی: دولت، اقتصاد اسلامی، عقاید اقتصادی، مالیه عمومی، دولت رفاه، انتخاب

عمومی.

دولت از مهم‌ترین نهادهای بشری است که حضور فعال آن در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان روشن است. هزاران سال است که انسان برای تحقق نظم اجتماعی و سهولت زندگی خود و بهره‌مندی از امنیت داخلی و دفاع در برابر دشمن، نهاد دولت را سامان داده است. دولت‌ها در این مدت، گاه مردمی و گاه ضد مردمی بوده؛ گاه رفتاری عادلانه و گاه رفتار ظالمانه از خود نشان داده‌اند. گرچه جنبش‌های اجتماعی برای تغییر دولت شکل می‌گرفت، هیچ مردمی، نبود دولت را در باور خود راه نمی‌داد؛ زیرا می‌دانست نبود نهاد قدرتمند در جامعه به هرج و مرج اجتماعی می‌انجامد. وظایف دولت‌ها در گذر زمان، بر حسب دیدگاه‌ها متفاوت بوده است. در قرون اخیر، دیدگاه‌های متعددی درباره نقش‌های دولت در عرصه اجتماع مطرح شده است. شکل‌گیری دولت‌های مدرن در اروپا و دگرگونی‌های شگرف بعدی آن در مورد وظایف دولت به ویژه وظایف اقتصادی، مباحث بسیاری را در ادبیات مباحث سیاسی و اقتصادی رقم زده است. طیف گسترده دولت حداقلی و ژاندارمی تا دولت کمونیستی، و تحقق آثار مثبت و منفی هر یک در جوامع، باعث شده تصمیم‌گیری درباره انتخاب دولت مشکل‌تر شود.

از سوی دیگر، در اقتصاد اسلامی، دولت نهاد مهم و اساسی است و شناخت حیطه دخالت آن به تبیین دقیق وظایف دولت اسلامی بر اساس متون دینی و مقایسه آن با وظایف انواع دولت‌های مطرح در ادبیات اقتصادی نیازمند است. با تعیین موقعیت جایگاه دولت اسلامی و رابطه آن با دولت‌های امروزی می‌توان عملکرد دولت‌های اسلامی و نتایج حاصله از حضور آن را حدس زد. وجود دیدگاه‌های گوناگون درباره دولت اسلامی و عدم تبیین دقیق وظایف آن باعث شده، متفکران انواع دولت‌های حداقلی، حداکثری، سوسیالیستی، دولت رفاه و نهادگرا را قابل تطبیق بر دولت اسلامی بدانند. نوشته حاضر می‌کوشد با بررسی ادبیات دولت، حیطه دخالت هر یک از دولت‌ها را در اقتصاد مشخص کند و با تبیین وظایف دولت اسلامی (بر حسب آن چه در متون دینی آمده است) شباهت دولت دینی را با انواع دولت‌ها مشخص کرده، جایگاه آن را بین نظریه‌های دولت نشان دهد.

دولت در نظریات اقتصادی

دولت در جایگاه یگانه نهاد مشروع استفاده از ابزار زور، انواع گوناگونی دارد و می‌توان

برحسب موارد مختلف، آن را تقسیم کرد. تقسیم دولت به حاکم مطلق، جمهوری، طبقاتی و نفوذهای ناهمگن؛ تقسیم آن به دولت اقتدار گرا، مردم گرا؛ تقسیم آن به دولت ارگانیکی و مکانیکی؛ تقسیم آن به دولت حاکمیتی، نمایندگی و کارفرمایی، از انواع تقسیم دولت در مباحث سیاسی و جامعه شناسی است (وینسنت، ۱۳۷۱؛ فصول دوم تا ششم؛ رنانی، ۱۳۸۱: ص ۳۶۸-۳۷۴؛ دادگر، ۱۳۸۰: ص ۳۲ - ۳۵).

از جنبه اقتصادی هم می توان دولت را به انواع چندگانه تقسیم کرد. دولت ها را بر حسب تاریخ اقتصادی بررسی، و با توجه به این که تاریخ اقتصادی به طور عمده از دوران مرکانتالیست ها آغاز می شود، دولت مرکانتالیستی را به صورت نخستین دولت مطرح می کنیم. نکته قابل ذکر این است که مقصود از دخالت دولت در عرصه اقتصاد، هر گونه فعالیت آن است که مستلزم هزینه بری، تأمین درآمد، انجام فعالیت اقتصادی خالص، نظارت بر فعالیت بخش خصوصی و مشابه آن باشد؛ بنابراین، شامل تأمین امنیت داخلی و خارجی که مستلزم صرف هزینه است تا سرمایه گذاری مستقیم و تولید کالای عمومی می شود. در مباحث مربوط به اقتصاد بخش عمومی و مالیه عمومی، این امر روشن است.

۱. دولت مرکانتالیستی

در نظریه سوداگری، دولت نهاد قدرتمند و مداخله گرا است. دولت با تشویق صادرات کالا و واردات مواد اولیه و تحدید واردات کالای نهایی، تراز تجارت خارجی را مثبت می سازد. دولت از بخش های تولیدی حمایت کرده، با برنامه ریزی، هدایت اقتصاد را به عهده می گیرد. مالکیت بخش خصوصی به طور عمده وجود دارد و دولت از طریق مالیات، درآمد خود را تأمین می کند. برای تقویت صادرات از اقدام های تشویقی مثل پرداخت یارانه و اعطای وام و غیر آن بهره می برد (نادران، ۱۳۸۱: ص ۳۹؛ تفضلی، ۱۳۷۲: ص ۵۷).

۲. دولت فیزیوکراسی

مکتب فیزیوکرات ها به کمال نظام طبیعی معتقد بوده، هر گونه دخالت در نظم طبیعی را سبب اختلال می دانست. اگر در نظام اقتصادی هم چون نظام طبیعی تکوینی، مداخله صورت نگیرد، رفتار متعادل آن خود را نشان می دهد. دولت حداقلی که حامی آزادی کسب و کار و رقابت باشد و از ناامنی داخلی و خارجی جلوگیری کند و امور عام المنفعه را پدید آورد، مورد پسند این مکتب است. دولت، مالیات خود را از صاحبان زمین و نه کشاورزان گرفته، از وضع مالیات های غیر

مستقیم بر کالا و مشاغل جلوگیری می‌کند. (نادران، ۱۳۸۱: ص ۴۱ و ۴۰؛ تفضلی، ۱۳۷۲: ص ۷۸).

۳. دولت کلاسیکی

در نظام کلاسیک، بازار تعادل همراه با کارایی را شکل می‌دهد و پیروی از نفع شخصی، نفع جامعه را در پی دارد. حضور دولت در اقتصاد، آزادی را محدود می‌کند و تعادل را به هم می‌زند و کارایی را از بین می‌برد. دولت فقط در مواردی حضور می‌یابد که نظام بازار در آن بخش حضور کارا ندارد. مواری همچون نبود آزادی اقتصادی، نبود زمینه‌های اجتماعی مناسب مانند برابری و امنیت، تجاوز به حقوق و آزادی فردی از طریق انحصارها یا فعالیت‌های ناسالم و عدم تضمین اجرای عدالت اجتماعی و رفع تبعیض در اعطای تسهیلات از این قبیل است؛ به همین جهت، دولت کلاسیکی سه وظیفه مهم را بر عهده دارد:

ا. ایجاد امنیت داخلی و دفاع خارجی؛

ب. برقراری عدالت از طریق ایجاد نهادهای قانونگذاری و نظارتی و تصویب قوانینی از قبیل قانون کار، مالکیت و...؛

ج. ایجاد تأسیسات عمومی و فعالیت‌هایی که یا از عهده اشخاص خارج است یا بخش خصوصی انگیره انجام آن را ندارد.

دولت مالیات مناسب وضع، و سیاست حمایتی از کالاهایی داخلی در برابر کالاهای خارجی را اعمال می‌کند؛ ولی نباید در اقتصاد تصدی‌گری کند؛ زیرا دولت، مدیر و تاجر خوبی نیست و زیان دخالت آن بیشتر از زیان انحصار بخش خصوصی است. گسترش دولت به معنای اختصاص درآمد ملی به سرمایه‌گذاری در امور غیر مولد است که دولت‌ها انجام می‌دهند (نادران، ۱۳۸۱: ص ۴۵ - ۴۷؛ عظیمی، ۱۳۸۰: ص ۱۴۲؛ رنانی، ۱۳۸۱: ص ۳۷۵؛ کاتوزیان، ۱۳۵۸: ص ۱۸۴-۱۹۴).

۴. مکتب تاریخی

در این مکتب، دولت باید سیاست‌های حمایتی از تولیدات بخش خصوصی را با اعمال سیاست گمرکی مناسب اجرا، و خط مشی توسعه اقتصادی را ترسیم کند و با انجام هماهنگی رشد اقتصادی در بخش کشاورزی و صنعت، تعلیم و تربیت مناسب، ارتقای سطح بهداشت و فرهنگ جامعه، افزایش و گسترش سطح زندگی؛ تأمین نظم و امنیت و ایجاد شبکه مطلوب حمل و نقل راه رشد اقتصادی را هموار سازد (تفضلی، ۱۳۷۲: ص ۲۰۴ و ۲۰۵).

۵. دولت حداقلی نوزیک و هایک

اینان به عدم دخالت دولت در امور اقتصادی قائل هستند و به صورت افراطی بر حقوق خصوصی و آزادی فردی تأکید می‌کنند. پی‌جویی عدالت اجتماعی را مضر، و دولت را بدی می‌دانند که باید آن را در سطح حداقلی حمایت از بازار رقابت و اجرای قراردادها تحمل کرد (نادران، ۱۳۸۱: ص ۵۲؛ دادگر، ۱۳۸۰: ص ۲۹ و ۳۰؛ کارنیک، ۱۳۷۹: ص ۱۲۱، ۱۲۴).

۶. دولت نئو کلاسیکی

دیدگاه نئوکلاسیک تنوع خاصی دارد؛ به ویژه با تکاملی که در نظریات آن‌ها در قرن بیستم رخ داد. برخی از نظریات جدید را جداگانه مطرح می‌کنیم. در این دیدگاه، دولت در وضعی به دخالت مجاز است که باعث انحراف در کارکرد کارگزاران اقتصادی نشود و این، از طریق اخذ مالیات‌های مقطوع و پرداخت‌های انتقالی امکان پذیر است (این مقدار هم مورد قبول هایک و نوزیک نیست). موارد شکست بازار و عدم تحقق رقابت کامل، مجوز دخالت دولت است. تولید کالای عمومی مثل نظام حقوقی، دفاع، نظام حمل و نقل، آموزش و تحقیقات، انحصارها، پیامدهای خارجی، اطلاعات ناقص، و نابرابری در توزیع، از موارد اصلی شکست بازار هستند. اصل بر فعالیت بازار است و فقط هنگام انحراف آن از کارایی در تخصیص منابع، دولت دخالت خواهد کرد. دولت بیشینه‌سازی رفاه کل جامعه را هدف دارد و در جایگاه وکیل مردم عمل می‌کند (نادران، ۱۳۸۱: ص ۵۵ و ۵۶؛ دادگر، ۱۳۸۰: ص ۴۳ - ۴۷؛ کارنیک، ۱۳۷۹: ص ۱۲۴ - ۱۲۶).

۷. دولت سوسیالیستی

دولت در اقتصاد نقش اساسی دارد. مدیریت دولتی اقتصاد، برنامه ریزی گسترده و محدودیت یا حذف مالکیت خصوصی از معیارهای مهم سوسیالیزم است. مرحله کمونیسم به صورت واپسین مرحله تکامل نظام اجتماعی و نابودی کامل مالکیت خصوصی حذف دولت را به دنبال دارد. دولت سوسیالیزم برنامه ریز متمرکز، بیش‌ترین وظایف دولت را در صحنه اقتصاد دارا است.

۸. دولت کینزی

دولت از طریق سیاست‌های کلان اقتصاد، جامعه را تنظیم می‌کند و بدون فرایند ورود به بازار با توجه به اهداف کلی اقتصاد مثل اشتغال کامل و کاهش دوران رکود، مدیریت اقتصادی انجام می‌دهد. دولت کینزی کمبودهای نظام سرمایه داری را برطرف می‌ساخت و آن را در رسیدن به

۹. دولت رفاه

رفع فقر و ایجاد حداقل زندگی برای مردم به وسیله دولت، در پرتو نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تحقق می‌یابد. دولت، طیف گسترده‌ای از خدمات اجتماعی را برای همه افراد ارائه می‌دهد؛ از اشتغال کامل حمایت می‌کند و ضمن دفاع از اقتصاد بازار، برخی از صنایع کلیدی، ملی شده یا تحت نظارت کامل دولت قرار می‌گیرد. نیمه دوم قرن بیستم، زمان گسترش این نظریه و تحقق آن در اروپای شمالی بود. گرچه با موانعی به علت مباحث تعدیل اقتصادی و جهانی سازی روبه رو شده است. تأمین حداقل‌های لازم برای معیشت شرافتمندانه مردم، علت اساسی حضور دولت رفاه در اقتصاد است؛ البته قلمرو حضور آن فراگیرتر از دولت نئوکلاسیکی و کم‌تر از دولت سوسیالیستی است و با دولت کینزی سازگاری دارد. (دادگر، ۱۳۸۰: ص ۵۷ - ۶۲). هدف دولت رفاه، جامعه بی‌طبقه نیست؛ بلکه جامعه‌ای است که در آن شایستگی و تحرک اجتماعی اهمیت بیشتری از تقسیم بندی‌های درآمدی داشته باشد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ص ۱۲۵). دولت رفاه می‌کوشد پنج نوع برابری ایجاد کند: برابری استفاده از هزینه‌های عمومی، برابری درآمد نهایی، برابری استفاده از خدمات اجتماعی، برابری هزینه برداری خدمات اجتماعی و برابری نتیجه (همان: ص ۷۴ و ۷۵). دولت رفاه در پی رفع فقر و محرومیت ناشی از بازار سرمایه داری است، نه در پی حذف شرایط سرمایه داری (همان: ص ۱۶۶).

۱۰. دولت در نظریه انتخاب عمومی یا مکتب اقتصادی سیاست

در این نظریه، دولت موکل کارمندان خود بوده که هدفشان حداکثر سازی مطلوبیت خودشان است. وجود دولت در پاسخ به خواست عمومی است که درک می‌کنند همیاری، مزایای گسترده‌ای دارد و منافع همه در رعایت حقوق دیگران تحقق می‌یابد. این‌جا دولت، حداکثر کننده رفاه اجتماعی نیست؛ بلکه گاه به سبب حداکثر سازی منافع خود، از منافع برخی گروه‌ها حمایت می‌کند (نادران، ۱۳۸۱: ص ۵۶ و ۵۷).

طبق این نظریه، تصمیم‌گیری دولت بر اساس خیرخواهی، توانایی و ترجیح منافع اجتماعی نیست. تقاضا و عرضه کالای سیاسی در بخش عمومی شکل می‌گیرد.

سیاستمداران و کارمندان، عرضه کننده، و رأی دهندگان به رجال سیاسی، متقاضی کالای سیاسی هستند. کالای سیاسی، کالاها و خدمات عمومی است که با فرایند سیاسی عرضه می‌شوند و چون اجماع عام در مورد خواسته‌ها شکل نمی‌گیرد، رأی اکثریت و نمایندگان آن‌ها در برنامه‌های آن‌ها مدرک تصمیم‌گیری است؛ ولی نمایندگان پس از انتخاب، دقیقاً مطابق خواسته‌های اکثریت عمل نمی‌کنند؛ افزون بر این که مردم برای رأی دادن، به صرف هزینه زمانی و مالی حاضر نیستند؛ بنابراین، گروه‌های ویژه و ذی‌نفع، تصمیم‌های اکثریت را شکل می‌دهند و عملاً خواسته‌های آن‌ها تحقق می‌یابد. کارمندان دولت هم منافع شخصی خود را لحاظ می‌کنند و در تصمیم‌های منافع سازمانی و صنفی آن‌ها ملاحظه، و بودجه دولتی برای تأمین آن افزوده می‌شود (توکلی، ۱۳۸۰: ص ۳۰۲ و ۳۱۲)؛ از این رو نمی‌توان به دولت برای رفع نقایص بازار تکیه کرد. نه کارایی حاصل می‌شود و نه تأمین عدالت صورت می‌گیرد (همان: ص ۳۴۶). برای حضور دولت در این دیدگاه تلاش شده تا دولت برای منافع شخصی خود دارایی عمومی را هدر ندهد به صورتی که به تعبیر بوکانان باید کوشید نهادها را به گونه‌ای سامان داد تا اگر دولتمردان خطا کردند و به اموال عمومی ضربه‌ای زدند، اموال شخصی آن‌ها آسیب ببیند (دادگر، ۱۳۸۱: ص ۱۴۷؛ وهمو، ۱۳۸۰: ص ۴۸ - ۵۱).

مکتب انتخاب عمومی، با دیدگاه نئوکلاسیک چند تفاوت عمده دارد :

۱. وجود دولت خود به خود و به صورت طبیعی ایجاد می‌شود بر خلاف دولت نئوکلاسیکی که به علت شکست بازار شکل می‌گیرد. وجود دولت برای تحقق و مراقبت از اجرای قراردادهای همکاری بین افراد ضرورت دارد. جامعه به این نتیجه رسیده است که همکاری بین افراد، منافع آنان را حداکثر می‌کند و این همکاری نیازمند مراقبت و حفظ قرارداد اجتماعی به وسیله دولت است.

ب. دولت نئوکلاسیکی برای افزایش رفاه مصرف کننده اقدام می‌کند؛ ولی مکتب انتخاب عمومی، دولت را حامی منافع شخصی کارمندان دولت می‌داند و دولت، نماینده آنان است؛ از همین رو دولت در اقتصاد شرکت کننده بی‌طرف نیست؛ بلکه ممکن است از منافع برخی گروه‌ها به منظور افزایش رفاه خود حمایت کند. قوانینی که از گروه‌های ذی نفع قدرتمند حمایت می‌کنند، ممکن است در عوض حمایت مالی و کسب آرا به

۱۱. دولت در نظریه هزینه مبادله

در این نظریه، دخالت دولت برای کاهش دادن هزینه معاملاتی است و علت اساسی شکست بازار را هزینه تحمیل شده بر اقتصاد می‌داند. دولت با وضع مقررات بر چگونگی کارکرد عوامل اقتصادی نظارت دارد؛ بنابراین، نهاد دولت در کنار نهاد بنگاه و بازار باید وجود یابد و اندازه بهینه دولت بر حسب درجه توسعه یافتگی و کارکرد نهادهای بنگاه و بازار در حدی است که هزینه‌های معاملاتی کلی اقتصاد را به حداقل برساند. دولت نهادگرا باید وظیفه مکمل بازار و بنگاه بودن را به دوش بکشد و در زمینه‌های فعالیتی جانشین بنگاه و بازار، به حداقل ممکن بسنده کند. دولت در زمینه مسائلی چون حقوق مالکیت، دستگاه قضایی، امنیت، تعریف استانداردها، ثبات اقتصاد که فعالیت بازار و بنگاه وابسته به آن است، باید فعالیت خود را گسترش دهد و برای فعالیت‌هایی که جانشین فعالیت بازار می‌شود، باید سیاست کاهش را پیش گیرد؛ مثل تولید کالاهای عمومی قابل تولید به شیوه خصوصی یا تولید کالاهای خصوصی دارای آثار جانبی مثبت و یا حتی تولید کالاهای خصوصی معمول.

کوز از نظریه پردازان این مکتب مدعی است که اگر دولت حقوق مالکیت را به طور شفاف تعیین و تصریح کند، عوامل اقتصادی خواهند توانست هر گونه پیامد خارجی حاصل از شکست بازار را درونی کنند. اگر افراد، شکست‌های بازار و کاستی‌های آن را درونی کنند، توجیه دخالت دولت از بین می‌رود. با تعیین حقوق مالکیت افراد، پیامدهای خارجی منفی و مثبت به صورت ایجاد ضرر در مالکیت افراد یا استفاده از مالکیت افراد خواهد بود و باید هزینه آن داده شود؛ البته استفاده از این حقوق برای افراد همراه با هزینه معاملاتی است (دادگر، ۱۳۸۰: ص ۵۱ - ۵۴: رنانی، ۱۳۸۱: ص ۳۷۸ - ۳۷۹).

به تعبیر کوز موارد شکست بازار، باعث دخالت دولت نمی‌شود. اگر افراد بتوانند (با معلوم شدن حقوق مالکیت به وسیله دولت) موارد شکست بازار را درون سازی کنند. شکست بازار به علت هزینه‌های بالای مبادله است؛ زیرا هر مبادله، هزینه‌های متفاوتی دارد و برخی از هزینه‌ها حتی در بازار رقابتی هم هست. به تعبیر «ارو» هزینه‌های اصلی مبادله دو گونه است: هزینه بیرون‌سازی و جلوگیری از ورود دیگران و دیگر هزینه اطلاعات و ارتباطات. وجود دولت باعث کاهش هزینه مبادله می‌شود؛ بنابراین، هزینه مبادلاتی ناشی از بازار، وجود بنگاه را ضرور می‌سازد

و شکست بازار و بنگاه به دخالت دولت می‌انجامد و ممکن است وجود دولت هزینه، مبادلاتی را کاهش ندهد؛ بلکه به علت فرصت طلبی کارمندان برای اهداف گروهی و گروه‌های ذی نفع هزینه را افزایش می‌دهد و به شکست دولت می‌انجامد. اهداف این دیدگاه در دخالت دولت به نوعی ترکیبی از دیدگاه نئوکلاسیک و انتخاب عمومی است (کارنیک، ۱۳۷۹: ص ۱۳۰-۱۳۵).

۱۲. نظریه اطلاعات

این دیدگاه نیز بر موارد شکست بازار اتکا دارد؛ ولی عمیق تر از نئوکلاسیک است. همانند دیدگاه هزینه مبادلاتی که به جزئیات علت شکست بازار می‌پردازد، نظریه اطلاعات هم عامل اصلی شکست بازار را فقدان اطلاعات کامل می‌داند. اطلاعات غیر متقارن امکان فریبکاری را بالا برده، مبادله را با انتخاب نامطلوب و خطر اخلاقی مواجه می‌سازد. دولت به علت برخورداری از اطلاعات غیر قابل دسترس بخش خصوصی در اقتصاد دخالت می‌کند؛ البته دخالت در مواردی است که شکست بازار مهم و گسترده است؛ مثل بازارهای بیمه، ریسک‌های همراه با امنیت شغلی و بازارهای غیر کامل سرمایه (کارنیک، ۱۳۷۹: ص ۱۳۶-۱۳۸). نظریه نئوکلاسیک شکست بازار را به طور عمده از تحقق کالای عمومی و آثار خارجی ناشی می‌داند و اطلاعات کامل را مفروض می‌گرفت؛ ولی در دیدگاه نظریه اطلاعات، شکست گسترده بازار به علت اطلاعات ناقص و عدم تقارن آن بین عوامل اقتصادی است؛ بنابراین در حوزه‌هایی که دولت اطلاعات بیش‌تری دارد، باید دخالت کند (نادران، ۱۳۸۱: ۵۹؛ دادگر، ۱۳۸۰: ص ۵۵-۵۷).

۱۳. دولت در مکتب اقتصادی اسلام

برای تبیین جایگاه دولت اسلامی در عرصه اقتصاد به موارد متعددی از متون دینی می‌توان مراجعه کرد؛ از جمله:

۱. متونی که وظایف امام و جایگاه آن را بیان می‌کند؛ مثل حدیث مشهور امام رضا علیه السلام در تعریف امام (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۹۹)؛
۲. متونی که بیانگر سیره پیامبر صلی الله علیه و آله یا امیرمؤمنان علیه السلام در دولت نبوی و علوی است؛
۳. متونی که دولت حضرت حجّت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را ترسیم می‌کند؛
۴. متونی که وظیفه فرمانداران یا حاکمان ولایات را بیان می‌کند؛
۵. متونی که اهداف خاصی را برای جامعه بشری و ارسال پیامبران معین می‌سازد و لوازم ضرور تحقق آن اهداف، دخالت دولت یا حضور آن در عرصه اقتصاد است.

بر این اساس، اهداف دولت اسلامی را با توجه به امور پیشین از متون دینی کشف می‌کنیم.

اهداف دولت اسلامی

مهم‌ترین و اصیل‌ترین هدف تشکیل دولت و ارسال پیامبران: «... دعوت به سوی خدا و تحقق رشد معنوی انسان‌ها است. خداوند در قرآن، پیامبر را مخاطب قرار داده، می‌فرماید: یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً (احزاب: ۳۳): ۴۵ و (۴۶):»

ولی اموری دیگر جهت تحقق این هدف اصیل به صورت اهداف مقدماتی مطرح شده که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱. اقامه عدل و رفع ظلم در جمیع جوانب. همان‌گونه که در دولت امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - رخ می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۰۵، ص ۵۴۲؛ حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۲۵ - ۳۰، ص ۵۳ - ۵۸، ص ۹۹؛ مجلسی، ۱۳۷۲: ج ۵۲، ص ۳۳۸).
۲. گسترش فرهنگ دینی و علم و دانایی (حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۰، ص ۳۹ - ۴۱، ص ۴۶۰؛ مجلسی، ۱۳۷۲: ج ۵۲، ص ۳۲۸، ص ۳۳۶).
۳. ایجاد امنیت در داخل و مرزهای کشور اسلامی (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۰۰؛ حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۱۷ و ۴۱۸؛ مجلسی، ۱۳۷۲: ج ۵۲، ص ۳۳۸).
۴. اجرای حدود الهی و شریاع و احیای سنت نبوی و اقامه شعایر دینی (حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۲، ص ۴۱۴، ص ۴۱۷).

وظایف دولت اسلامی

- دولت برای تحقق اهداف پیشین باید اقدام‌های متعددی از جمله امور ذیل را انجام دهد:
۱. توزیع ثروت طبیعی و اموال دولتی به صورتی که فاصله طبقاتی زیاد رخ ندهد (حشر: ۵۹):
۷؛ حکیمی، ۱۴۰۸: ج ۵، ص ۲۷۲ - ۲۷۶ و ص ۲۸۲ - ۲۸۹)؛
 ۲. تعدیل درآمدها از راه اخذ مالیات با لحاظ حفظ عمران و آبادی (رضی، ۱۳۹۵: ص ۴۳۶)؛
 ۳. تأمین فقیران و نیازمندان (همان: ص ۴۳۸ و ۴۳۹)؛
 ۴. ادای بدهی بدهکاران (حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۸۵ - ۴۸۹)؛
 ۵. انتخاب کارگزاران صالح (همان: ج ۲، ص ۴۶۷ و ۴۶۸؛ رضی، ۱۳۹۵: نامه ۵۳)؛

۶. نظارت دقیق بر عملکرد نهادهای دولتی، قضایی، لشکری (رضی، ۱۳۹۵: نامه ۵۳؛ حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۷۰ - ۴۷۳)؛
۷. برپایی نظام قضایی عادلانه و تضمین حقوق افراد (رضی، ۱۳۹۵: ص ۴۳۴ و ۴۳۵)؛
۸. مراقبت از حقوق کارگران و کشاورزان در روابط بین صاحبان کار و سرمایه (حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۹۵)؛
۹. برخورداری از نظام اداری مناسب (رضی، ۱۳۹۵: ص ۴۳۷)؛
۱۰. نظارت بر بازار و جلوگیری از احتکار و حمایت از قیمت عادلانه (همان: ص ۴۳۸؛ حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۹۴؛ و ۱۴۰۸: ج ۵، ص ۴۱۷ - ۴۲۰)؛
۱۱. ایجاد ارتش قوی و نیرومند با برخورداری از نیروهای صالح (رضی، ۱۳۹۵: ص ۴۳۲ و ۴۳۳؛ حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۷۱ - ۴۷۳)؛
۱۲. برپایی نظام آموزش عمومی جهت ارتقای فرهنگ دینی و تصحیح روابط اجتماعی (حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۹۸ و ۴۹۹)؛
۱۳. حمایت از عمران و آبادی به وسیله بخش خصوصی (محمودی، ۱۳۷۸: ج ۵، ص ۳۹۵؛ رضی، ۱۳۹۵: ص ۴۳۶ و رک: رضایی، ۱۳۸۲ - الف: ص ۶۷ و ۶۸) و تحقق سرمایه‌گذاری زیر بنایی مورد نیاز که بخش خصوصی انگیزه یا توان انجام آن را ندارد و جامعه به آن نیازمند است. سهم سبیل الله در مصارف زکات، به تأمین هر امر ضرور اجتماع از جمله امور زیربنایی می‌تواند اختصاص یابد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۱۲۰، ۱۲۱؛ رضایی، ۱۳۸۲ - الف: ص ۶۷)؛
۱۴. زمینه‌سازی برای رفع فقر، همان‌طور که از نشانه‌های دولت مهدی علیه السلام نبود نیازمند برای گرفتن زکات است (مجلسی، ۱۳۷۲: ج ۵۲، ص ۳۹۰).

اختیارات دولت اسلامی

دولت برای تحقق امور پیش‌گفته، اختیارات و منابع مالی متعددی از جمله امور ذیل را دارد. منابع مالی دولت عبارتند از:

۱. انفال که شامل ثروت‌های متنوع طبیعی است در ملکیت دولت اسلامی قرار دارد. جنگل‌ها، سواحل دریا، آب‌ها، اراضی موات، مناطق متروک، معادن، دره‌ها، کوه‌ها، واموالی که وارث مشخصی ندارند، انفال هستند (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۵۳۸-۵۴۲). دولت مجاز در تصرف با

رعایت مصالح عمومی است. انفال، بخش مهمی از منابع طبیعی را شامل می‌شود و تمام آن در ملکیت بخش عمومی است.

۲. زکات و خمس که نوعی مالیات با نرخ ثابت هستند و دولت می‌تواند برای جمع‌آوری آن عاملان خاصی قرار دهد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۱۳۹)؛

۳. خراج: مال الاجاره زمین‌های عمومی که در اختیار بخش خصوصی قرار داده شده است؛

۴. درآمد گمرکی ناشی از وضع عوارض گوناگون بر واردات کالا (رضایی، ۱۳۸۲: الف: ص ۷۴)؛

۵. مالیات متغیر حکومتی: دولت می‌تواند مالیات‌های جدید با نرخ‌های متغیر در وضعیتی که هزینه‌های دولت بیش‌تر از درآمد آن است وضع کند (همان: ۷۵ - ۸۰)؛

دولت اختیارات ذیل را افزون بر وضع مالیات و عوارض نیز دارد. این امور، لازمه قطعی وجود دولت و تحقق اهداف و صرف منابع مالی و تنظیم امور و لازمه برخورداری دولت از ولایت است؛

۱. قانونگذاری: دولت برای تعیین حدود مالکیت‌ها، وظایف، تعریف روابط بین نهادها می‌تواند قوانین مناسب وضع کند؛

۲. استفاده از قدرت قانونی برای اجرای اهداف؛

۳. ایجاد نظام اداری، قضایی، نظامی و استخدام افراد گوناگون برای انجام وظایف مربوط

به آن؛

۴. ایجاد واحد خاص برای توزیع و به مصرف رساندن اموال دولتی جهت رفع فقر؛

۵. ایجاد واحدهای اقتصادی خاص برای انجام طرح‌های زیربنایی کشور، گسترش علم و

فن‌آوری، جمع‌آوری مالیات‌ها، جمع‌آوری درآمد حاصل از انفال و خراج؛

۶. ایجاد نظام آموزشی در سطوح مورد نیاز کشور و تحقق واحدهای مناسب برای گسترش

فرهنگ عمومی، دینی و اجتماعی؛

بنابراین، از نظر منابع مالی، دولت دینی بر منابع بسیاری تسلط دارد و دارای اختیارات متعدد

برای تحقق اهداف است.

در زمینه کارگزاران دولتی باید نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱. در رهبری نظام، شرط علم، توانایی و تقوا در حد بالایی مورد نظر دین است. از بین رفتن

تقوای دینی باعث جدا شدن فرد از منصب می‌شود. دوام شرایط، اصل خدشه‌ناپذیر است (رضی،

۱۳۹۵: ص ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۱۸۹؛ حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۲۶۷).

۲. مدیران نظام باید از میان افراد باتجربه و خاندان صالح که اخلاق کریمانه و طبع بلند و دوراندیشی داشته باشند، انتخاب شوند (رضی، ۱۳۹۵: ص ۴۳۵).

۳. قاضیان باید از بهترین افرادی که به لجاجت و اشتباه کشانده نمی شوند و طالب حق و حقیقت هستند، برگزیده شوند تا توانایی برپایی عدل را داشته باشند (همان: ص ۴۳۴ و ۴۳۵).

۴. مشاوران باید از شجاعت و مناعت طبع و زهد و خداجویی بهره‌مند باشند تا مبادا مدیر را از تلاش و کمک به مردم منصرف سازند (همان: ص ۴۳۰).

۵. وزیران و یاوران رهبر باید سابقه نیکو داشته و در یاری ستمگر شرکت نداشته باشند. بهترین آن‌ها بیانگر حق است هر چند تلخ، باشد. راست کردار و پارسا، و از چاپلوسی به دور است (همان).

۶. مسؤولان نظامی باید خیرخواه دین و کشور و نظام باشند. پاکدامن، بردبار و دوستدار ضعیفان، قدرتمند در انجام وظایف و به دور از سستی بوده، باسربازان به مساوات برخورد کنند و نیازهای آنان را تأمین، و مشکلات مالی آنان را برطرف سازند. (همان: ص ۴۳۲ و ۴۳۳).

۷. حقوق و درآمد کافی برای تمام کارگزاران دولتی، قاضیان و نظامیان و تشویق‌های مناسب در نظر گرفته شود تا فعالیت خود را بدون توجه به نیازهای شخصی به بهترین صورت انجام دهند و به اموال مردم تجاوز نکنند (همان: ص ۴۳۳-۴۳۵ و ۳۸۲).

۸. کارگزاران مالیاتی باید تلاش خود را در آبادانی و تولید بیشتر صرف و در اخذ مالیات از مردم با اخلاق خوش و راستی برخورد کنند و نباید بیش از حد از آنان بستانند و در وضعیت سخت باید به آنان ارفاق کنند. در ادای مالیات به اظهارات مردم اعتماد داشته باشند و در کیفیت پرداخت، اختیار را به مردم بدهند و رضایت آنان را جلب کنند و از اموال مردم برای بهره‌مندی شخصی استفاده نکنند. اموال مالیاتی باید به دست افراد امین سپرده، و شیوه‌های گوناگون آن رعایت شود و در همه حال، خدا را در نظر بگیرند و از عقاب آخرت بپرهیزند و دست خود را به گناه آلوده نسازند (همان: ص ۳۸۰-۳۸۳ و ۴۳۶).

۹. نظام دیوان حکومت باید افراد شایسته، عاقل، هوشمند، توانا و امانت داشته باشد و از نظارت بر آن‌ها غافل نشود (همان: ص ۴۳۷).

۱۰. افراد خائن به اموال عمومی و اموال مردم، نادان، بخیل، ظالم و رشوه‌خوار نباید در جایگاه

کارگزاران انتخاب شوند (همان: ص ۴۳۰، ۱۸۹، ۴۶۲، ۴۱۲، ۳۶۶، ریشه‌ری، ۱۴۲۱: ج ۴، ص ۱۳۵-۱۳۷).

۱۱. برای کارگزاران باید مراقبان و ناظرانی قرار گیرد تا وضعیت آنان را به رهبر گزارش دهند و او را از خطاها و لغزشگاه‌های آنان آگاه، و نظارت بر اعمال آنان را میسر سازد (ریشه‌ری، ۱۴۲۱: ج ۴، ص ۱۳۹).

۱۲. کارگزاران در مقابل قانون با مردم مساوی هستند (حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۷۶-۴۷۸). از استبداد می‌پرهیزند و با مردم با انصاف برخورد می‌کنند. ارتباط مردم با مسئولان به آسانی صورت می‌گیرد. کارها به آگاهی مردم می‌رسد. خود را خدمتگزار و پدر مهربان مردم دانسته، مشکل مردم را مشکل خود آگاهی و در رفع آن می‌کوشند (رضی، ۱۳۹۵: نامه ۵۳).

مقایسه دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها

با روشن شدن دیدگاه‌های کلی درباره دولت، به جهت روشن شدن تفاوت و شباهت دیدگاه مکاتب گوناگون درباره دولت، مقایسه را در محورهای مختلف مطرح می‌کنیم. دولت فیزیوکرات با دولت کلاسیک مشابهت کامل دارد؛ از این رو آن را جداگانه مطرح نمی‌کنیم. دولت مرکانتالیستی نیز مشابه دولت ملی‌گرا در مکتب تاریخی است و در مقایسه، دیدگاه یکی را مطرح می‌سازیم و به جهت گستردگی بحث از طرح مبانی فلسفی و نظری مکاتب صرف‌نظر می‌کنیم.

۱. هدف نهایی فعالیت دولت

اصلی‌ترین هدف حضور و فعالیت دولت اسلامی، زمینه‌سازی تحقق رشد معنوی و گسترش عدالت است. در دیگر مکاتب اقتصادی هدف نظام اقتصادی، گسترش رفاه مادی و توسعه اقتصادی است. اگر دولت در اقتصاد حضور می‌یابد به جهت تحقق رفاه مادی، و رفع کمبودهای نظام بازار برای تحقق رفاه عمومی است. رفاه مادی با امنیت و رشد تحقق می‌یابد؛ بنابراین باید تمام برنامه‌ریزی‌ها، سازماندهی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و فعالیت‌ها در اقتصاد اسلامی در جهت تحقق سعادت معنوی قرار گیرد و دولت نیز در همین مجموعه معنا می‌یابد.

اقتصاد هدف نیست؛ بلکه وسیله تحقق اهداف بالاتری است. اقتصاد اسلامی، اقتصاد معنوی شمرده می‌شود و ابزارها و اهداف آن غیراخلاقی نیست و نمی‌تواند مانع تحقق رشد معنوی شود. در دیگر مکاتب، تحقق رشد معنوی اصل نیست و تاکید اصلی بر تحقق رفاه مادی و توسعه است.

در دیدگاه انتخاب عمومی، حداکثرسازی رفاه کارمندان دولت، هدف فعالیت دولت تلقی می‌شود. در دیدگاه هزینه مبادله، رفاه کارمندان جزو اهداف است. در دیدگاه کلاسیک، مکتب تاریخی، نئوکلاسیک، کینز، سوسیالیست، نظریه اطلاعات، دولت رفاه؛ هدف رفاه عمومی جامعه است (کارنیک، ۱۳۷۹: ص ۱۴۱). نکته قابل توجه مراعات تحقق هدف پیشین در استفاده از تمام اختیارات و ابزارها است؛ بنابراین در مباحث آینده هر گاه از برخی تصرفات بر اساس مصالح نام برده می‌شود، باید توجه داشت که مصلحت با رعایت هدف سعادت معنوی و تحقق عدالت است و تحقق رفاه مادی نیز در جهت رشد معنوی و عدالت معنا می‌یابد؛ یعنی تحقق رفاه مادی و توسعه، وسیله تحقق رشد معنوی است. تاکید اسلام بر تأمین رفاه مادی، مقدمه تحقق رشد معنوی است. من لامعاش له لامعاده، لولا الخبز ما صلینا ولاصمنا. (حکیمی، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۲۲۵ و ۲۲۶). تحقق عدالت اجتماعی مقدمه ضرور کمال انسان، و تقرب معنوی و سعادت آخرتی، کمال انسان است؛ ولی عدالت اجتماعی و قسط، مقدمه و وسیله وصول به تقرب الاهی و خود نیز دارای ارزش است و مرتبه‌ای از کمال حقیقی انسان شمرده می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۶۲ و ۱۶۳).

۲. مالکیت منابع

دولت اسلامی منابع طبیعی و غیرطبیعی را دارد. بر اساس فقه اسلامی، زمین‌های موات، جنگل‌ها، آب‌ها، معادن، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، کوه‌ها، دریاها، نیزارها و بیشه‌های طبیعی، مراتع و اموال ارثی که وارث ندارد، اموالی که مالکیت معین ندارد، در ملکیت امام و دولت اسلامی است. برخی از منابع مثل زمین‌های مفتوحه العنوه که در ملکیت عموم مسلمانان قرار دارد نیز زیر نظر دولت است (موسوی خمینی: ج ۱، ص ۳۶۸ و ۳۶۹؛ منتظری؛ ۱۴۱۱: ج ۴، ص ۱-۱۰۰؛ صدر، ۱۴۱۷: ص ۴۱۹-۵۰۰).

در دیگر مکاتب مالکیت منابع به طور عمده در اختیار بخش خصوصی است و فقط در دیدگاه سوسیالیست، منابع ثروت و بلکه کلیه ثروت‌ها در اختیار بخش عمومی قرار می‌گیرد. در مکاتبی که بازار نقش اساسی دارد و فعالیت بخش خصوصی مجاز است مالکیت آن نیز به رسمیت شناخته شده و چنانچه بخش خصوصی بر معادن، جنگل‌ها، و مراتع تسلط یابد می‌تواند آن را به ملکیت درآورد. اصل بر این است که این منابع در ملکیت کسی نیست و هر کسی به تصرف درآورد، مالک می‌شود. در فقه اسلامی، مالکیت منابع بر اساس اعتقاد به توحید، نبوت و امامت و جایگاه خلافت الاهی تفسیر می‌شود و از ابتدا منابع دارای مالک خاص است. آنچه برای دیگران امکان

دارد، تصرف در منابع با اذن و اجازه بامراعات مصالح عمومی است. در دیدگاه دیگر مکاتب، منابع مالک معین ندارد و بر اساس آزادی اراده و تصرف در محدوده مراعات آزادی دیگران، تصرف در منابع و مالک شدن مجاز است؛ البته در حالتی که تصرف در منابع باعث ضرر و زیان به محیط زیست و رفاه عمومی شود، دولت غیر اسلامی برای جلوگیری از تصرف با موانعی مواجه است که توضیح آن در بحث تفاوت دولت‌ها و برخورد با کالای دارای آثار جانبی خواهد آمد.

در فقه اسلامی، مالکیت دولتی نه به صورت استثنا، بلکه به صورت اصل اولی مورد پذیرش است؛ ولی در مکتب سرمایه‌داری (در طیف گسترده آن) مالکیت دولت در وضع خاص و استثنایی شکل می‌گیرد. بر خلاف نظام سوسیالیستی که مالکیت دولتی جایی برای مالکیت بخش خصوصی نمی‌گذارد، دولت اسلامی ضمن برخورداری از منابع متعدد، حافظ مالکیت بخش خصوصی است و مالکیت خصوصی و دولتی هر دو در کنار هم وجود دارند (صدر، ۱۴۱۷: ص ۲۸۱-۲۸۳).

۳. اصل و عقلایی دخالت دولت

دولت حداقلی کلاسیک که از سوی هایک و نوزیک نیز حمایت می‌شود، در امور اقتصادی دخالتی ندارد امنیت، تأمین برخی کالاهای عمومی و عدالت قضایی فقط وظایف دولت شمرده شده است. فرید من افزون بر آن، وظیفه نگهداری از کودکان و بیماران روانی و مانند آن را افزون است. امنیت و عدالت قضایی، وظیفه خاص اقتصادی نیستند؛ اما تأمین برخی تسهیلات رفاهی و عمومی و نگهداری از ناتوانان و بیماران خاص به علت عدم رویکرد نظام بازار به آن صورت می‌گیرد (کارنیک، ۱۳۷۹: ص ۱۲۱؛ رافائل، ۱۳۷۵: ص ۸۹ و ۹۰)؛ اما دیگر امور اقتصادی در اختیار بازار است و افراد با پی‌گیری سود شخصی، رفاه کل جامعه را تحقق می‌بخشند. دولت نئوکلاسیک به علت شکست بازار و عدم تحقق رقابت کامل در تولید برخی کالاها و تولید کالاهای دارای آثار جانبی و کالای دارای انحصار، در اقتصاد دخالت می‌کند و برای رفع نواقص بازار می‌کوشد؛ به گونه‌ای که اگر شکست بازار مطرح نبود، دخالت دولت شکل نمی‌گرفت. دولت در نظریه انتخاب عمومی به علت تعداد فراوان افراد و عدم اطمینان از کیفیت عملکرد افراد و امکان سواری مجانی بدون کشف و شناسایی ایجاد می‌شود تا رفتار همکارانه را در جامعه تحمیل کند. دولت در نظریه هزینه مبادله، برای حداقل کردن هزینه‌های مبادله شکل گرفته است و در نظریه اطلاعات، برای تحقق اطلاعات کامل حضور می‌یابد. در نظریه کینز، دولت برای تأمین اشتغال کامل که بازار نمی‌تواند همیشه آن را تأمین کند، سیاست‌گذاری می‌کند. دولت سوسیالیستی

در دخالت تمام عیار خود در اقتصاد به دنبال عدالت اجتماعی است. دولت مرکانتالیستی و ملی‌گرا با برنامه‌ریزی برای رشد اقتصادی دخالت می‌کند و تنظیم اقتصاد را به عهده می‌گیرد. دولت رفاه نیز برای تامین رفاه عمومی و برخورداری همه از نیازهای اولیه مثل کار، مسکن، بهداشت، آموزش و تامین اجتماعی در اقتصاد حضور می‌یابد. تمام مکاتب پس از کلاسیک به نوعی بازار را در تحقق اهداف شکست خورده دانستند و هر مکتب، بخشی از موارد شکست بازار را مبنای دخالت دولت می‌داند.

دولت اسلامی در کنار بخش خصوصی و به صورت مکمل، وظایف خاصی را به عهده می‌گیرد.

۵۳

اقتصاد اسلامی

با توجه به برخورداری دولت از منابع عمده ثروت، دولت در صدد تحقق اصلی‌ترین وظیفه در اقتصاد (تامین عدالت اجتماعی) است. رفع فقر اقتصادی، گسترش فرهنگ دینی و احیای سنت نبوی و اقامه شعایر دینی و اجرای حدود الهی و تضمین حقوق مردم، اهداف اصلی و وظایف عمده دولت است. برای تضمین حقوق مردم، دولت بر بخش خصوصی نظارت می‌کند و با تدوین مقررات، حقوق مردم را مقرر می‌سازد.

بخش مهمی از حقوق مردم در فقه و متون دینی مشخص، و دولت، بر اجرای آن ناظر، و تضمین‌کننده تحقق آن است؛ بنابراین، حضور دولت برای شکست بازار نیست؛ زیرا در اقتصاد اسلامی، اصل بر فعالیت بخش خصوصی نیست؛ بلکه فعالیت هر دو مطابق اصل بوده و هر یک وظایفی را از ابتدا به عهده دارد. وجود دولت اسلامی افزون بر گسترش اطلاعات، باعث کاهش هزینه‌های مبادله نیز می‌شود؛ البته به طور عمده، هزینه مبادله، درباره کالاهای دارای آثار جانمایی مطرح شده که با توضیحات بعدی، این مشکل در اقتصاد اسلامی وجود ندارد.

۴. رابطه دولت و جامعه

در نظریه دولت حداقل کلاسیک، نئوکلاسیک دولت رفاه، نظریه کینز، نظریه هزینه مبادله و اطلاعات، دولت نماینده مصرف‌کنندگان است؛ ولی در نظریه انتخاب عمومی، دولت اصل است و در پی حداکثرسازی مطلوبیت مقام‌های دولتی است. در نظریه اقتصاد اسلامی، دولت در پی حداکثرسازی مصلحت عمومی است و برای تحقق وظایفی که دین بر عهده او نهاده و در مسیر تحقق رشد و تعالی و عدالت و رفاه عمومی فعالیت می‌کند؛ بنابراین، نماینده دین و مردم است و به علت وظایفی که خداوند بر عهده دولت قرار داده، نماینده دین به شمار می‌رود و از آن‌جا که مقبولیت

عمومی دارد، و با ارادهٔ عمومی مؤمنان مشروعیت آن به فعلیت می‌رسد و برای مصالح آن‌ها می‌کوشد، نمایندهٔ مردم است. در دیدگاه سوسیالیست فقط دولت اصل است و نمایندهٔ مردم نیست؛ ولی برای عدالت می‌کوشد. دولت ملّی برای کشور می‌کوشد و حامی جامعه در طول زمان است و مصلحت کشور را در نظر می‌گیرد.

۵. دیدگاه دربارهٔ دولت

اغلب دربارهٔ فعالیت‌های دولت، تلقی دولت خیرخواه وجود دارد؛ البته دولت در نظریه انتخاب عمومی، در پی رفاه کارمندان خود و بدخواه و غارتگر است. مقام‌های دولت اسلامی باید سختی‌ها را تحمل کنند تا عدالت برپا شود. زهد برای زمامداران جامعه لازم و همدردی آنان با مردم و تحمل مصیبت‌ها و همنشینی با آنان و در سطح عموم مردم زندگی کردن، مورد تأیید شریعت است. خدمتگزار بودن حاکم اسلامی، اصل اولی است. با نگاهی به زندگانی پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان علیه السلام و رفتار آنان با مردم در زمان حکومت و قدرت موارد عدیده‌ای از این نوع رفتار را می‌یابیم. زهد، قناعت و بخشش اموال عمومی و اموال شخصی آنان بین فقیران بر کسی پوشیده نیست (حکیمی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۲۱۷-۲۳۶). این گونه رفتار فقط به حاکم اسلامی اختصاص ندارد؛ بلکه در مراتب کم‌تر، مدیران جامعهٔ اسلامی هم از آنان بهره‌مند هستند. نمونه‌های بسیاری در تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی وجود دارد که مدیر دولت همچون پدری مهربان در فکر رفع مشکلات مردم است و برخورداری از قدرت را امانت الاهی دانسته و برای ایصال حقوق مردم می‌کوشد.

۶. رابطهٔ دولت و بخش خصوصی

دولت کلاسیک امنیت را برای بخش خصوصی فراهم می‌آورد و فقط با گرفتن مالیات هزینه‌های خود را تأمین می‌کند؛ اما بر عملکرد آن هیچ گونه نظارتی وجود ندارد. دولت نوکلاسیکی نیز نظارتی بر بخش‌هایی که بازار رقابت کامل شکل می‌گیرد، نداشته و فقط محدودهٔ غیر رقابتی را متکفل می‌شود. دولت رفاه برای تأمین هزینه‌های متعدد خود، نظام مالیاتی کامل‌تری را اجرا می‌کند و تمام بخش‌های تأمین اجتماعی را به عهده می‌گیرد و برای رفع بیکاری و تأمین نیازهای اساسی، برنامه‌ریزی‌های متعددی انجام می‌دهد. أخذ مالیات‌های مختلف و اجرای سیاست‌های مالی در جهت تأمین اشتغال بدون دخالت در قیمت‌گذاری بازار، شیوهٔ دولت کینزی و

رفاه است. در دیدگاه هزینه‌های معاملاتی و اطلاعات، دولت مشابه دولت نئوکلاسیک است. دولت سوسیالیستی، هم برنامه‌ریزی متمرکز برای اقتصاد انجام می‌دهد و بخش خصوصی یا وجود ندارد یا برنامه پذیر دولت است. دولت ملی حامی بخش خصوصی در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه است.

دولت اسلامی افزون بر انجام برنامه‌های متعدد خود مثل تأمین اجتماعی، اخذ مالیات‌های گوناگون و سیاستگذاری، بر وضعیت بازار هم نظارت دارد و زمانی که نظام قیمت‌ها عملکرد مناسبی نداشته باشد به صورتی که قیمت اجحافی شکل بگیرد، دولت باید با نظارت و تعیین قیمت یا شیوه دیگر، وضعیت قیمت‌ها را اصلاح سازد تا جامعه دچار زیان شود؛ بنابراین دولت ضمن حمایت از عملکرد بخش خصوصی با نظارت و سیاستگذاری، تحقق اهداف نظام را میسر می‌سازد؛ پس اولاً انجام مواردی که بخش خصوصی حضور ندارد، به عهده دولت است. ثانیاً زمینه‌سازی برای فعالیت بخش خصوصی را فراهم می‌کند، و ثالثاً خلل‌های فعالیت بخش خصوصی را با نظارت اصلاح، و رابعاً در مواردی در نظام قیمت‌گذاری هم دخالت می‌کند. مجموعه عملکرد بخش خصوصی و دولتی در جهت تحقق اهداف است و دولت افزون بر مراعات اهداف در فعالیت‌های خود بر فعالیت بخش خصوصی نیز نظارت می‌کند. ضمناً به علت رابطه خیرخواهی و معنوی میان حاکم اسلامی و مردم در وضعی که دولت در اجرای اهداف دچار مشکل شود، مردم داوطلبانه به یاری او می‌شتابند و با انگیزه‌های دینی را یاری‌اش می‌دهند.

۷. سیاستگذاری

دولت ملی، دولت کینزی، دولت رفاه، و دولت اسلامی در اقتصاد، سیاستگذاری می‌کنند؛ البته اهداف آن‌ها ممکن است متفاوت باشد. رفع بیکاری و تحقق اشتغال کامل از اهداف آنان است؛ اما دولت کلاسیکی، نئوکلاسیکی، هزینه مبادله و اطلاعات، سیاستگذار نیستند و حداکثر فقط در صدد رفع نواقص بازارند.

۸. تأمین اجتماعی و رفع فقر و بی عدالتی

این امر مورد توجه دولت رفاه است. دولت کینزی از راه ایجاد اشتغال، در آمد مؤثر ایجاد می‌کند؛ ولی رفع فقر و عدالت و تأمین اجتماعی از اهداف اصلی نظام اسلامی است و دولت برای تحقق آن از تمام راه‌ها و تجارب بشری بهره می‌برد.

۹. تولید کالاهای عمومی

امروزه تمام دولت‌ها خود را موظف به ایجاد کالاهای عمومی خالص می‌دانند. نوع ایجاد آن به صورت تصدّی‌گری مستقیم یا واگذاری، بدون گسترش اندازه دولت، به اوضاع بستگی دارد؛ البته در نوع کالاهای عمومی تفاوت‌هایی وجود دارد. برخی از دولت‌ها کالاهای عمومی را در تکمیل اطلاعات، تدوین مقررات، امنیت داخلی و خارجی، و آموزش عمومی می‌بینند. دولت اسلامی، آموزش عمومی و فرهنگی و دینی و احیای شعائر دینی و سنت‌های اسلامی را از مهم‌ترین و مورد نیازترین موارد می‌داند و وظیفه دارد آن را تحقّق ببخشد؛ البته محرومیت از آموزش تخصصی در مدرسه یا دانشگاه چنان‌چه به عدالت اجتماعی ضربه زند و افراد کم درآمد نتوانند از آن استفاده کنند، دولت باید آن‌ها را کمک کند؛ ولی دلیلی بر استفادهٔ ثروتمندان از آموزش تخصصی یا بهداشت به صورت رایگان وجود ندارد (قحف، ۲۰۲: ۱۳۸۱). همچنین توسعهٔ علم و تحقیقات یا انجام امور زیربنایی و عمران شهرها به جز مواردی که به امنیت ارتباط دارد، با همکاری بخش خصوصی صورت می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۲ - الف: ص ۶۷ و ۶۸).

۱۰. تولید کالاهای خصوصی دارای آثار جانبی مثبت و منفی

قیمت واقعی این نوع کالاها در بازار تعیین نمی‌شود؛ بنابراین از موارد شکست بازار، تولید این نوع کالاها است. کالاهای دارای آثار منفی، امروزه به علت اثرگذاری منفی بر محیط زیست و نابودی آب‌ها، هوا، زمین تحقیقات بیش‌تری را به خود اختصاص داده و حساسیت دولت‌ها دربارهٔ آن افزایش یافته است. در نظریهٔ نئوکلاسیک، بخش خصوصی در تولید این کالاها آزاد نیست و دخالت دولت اصل اولیه است. طبق دیدگاه هزینهٔ مبادله، در صورتی که افراد بتوانند تقایص بازار را درون‌سازی کنند، شکست بازار و دخالت دولت متنفی می‌شود.

نظریهٔ کوز در پی شفاف‌سازی حقوق مالکیت جهت درون‌سازی در بازار است. وجود هزینه‌های مبادله، مانع اصلی شفاف‌سازی حقوق مالکیت است. نظریهٔ هزینه مبادله می‌کوشد حضور دولت را برای کاهش هزینه توجیه کند. در دیدگاه نئوکلاسیک، دولت با مالیات مثبت و منفی با آثار خارجی مثبت و منفی برخورد می‌کند (کارنیک، ۱۳۷۹: ۱۲۵). پیگو راه حل مالیات و یارانه را برای جلوگیری و محدودیت تولید آلودگی پیشنهاد کرده است. فروش اجازه ایجاد آثار منفی و سهمیه قابل مبادله انتشار آلاینده‌ها از راه‌های پیشنهادی برای حل مشکل آلودگی است.

نظریه کوزبا اشکالات متعددی مواجه شد و به علت وجود هزینه بالا، امکان شفاف‌سازی حقوق مالکیت در بازار فراهم نمی‌شود و برای رفع آلودگی، پیشنهاد‌های دیگر مثل گسترش تکنولوژی و تشویق مردم به مشارکت داوطلبانه در رفع آلودگی همراه با تبلیغات و آموزش تمیز و مذاکرات مطرح شده است (صادقی و فراهانی فرد، ۱۳۸۲: ص ۳۵-۴۰).

دولت اسلامی با برخورداری از مالکیت درباره منابع طبیعی مثل هوا، آب، خاک و مانند این‌ها قدرت جلوگیری از تصرفات بی‌حد را دارد. از آن‌جا که تصمیم دولت بر اساس تحقق مصالح عمومی بوده و حفظ محیط زیست از اهم مصالح عمومی است، دولت از انواع راه‌ها می‌تواند در جلوگیری از تولید کالایی که آلودگی دارد، استفاده کند.

همچنین محیط زیست فقط برای نسل فعلی نیست؛ بلکه محافظت از آن و انتقال سالم آن به دیگر نسل‌ها به نوعی، تأمین‌کننده حقوق آیندگان است. مالکیت دولت درباره منابع طبیعی امکان حفظ آن را برای دیگر نسل‌ها افزایش می‌دهد. توجیه مردم در جلوگیری از ایجاد آلودگی با توجه به اصل پیشین با مشکل کم‌تری مواجه است. همچنین گرچه برخی منابع طبیعی به صورت مباحات عامه در فقه اسلامی معرفی شده، نظارت بر کیفیت استفاده آن بر عهده دولت است و چنان‌چه تصرف فردی مانع از تصرف و استفاده دیگران شود، دولت می‌تواند از تصرف بیش از حد جلوگیری کند (صدر، ۱۴۲۱: ص ۷۷-۸۲).

دولت با رعایت قاعده لاضرر، قاعده عدالت، اصل انصاف و نفع اجتماعی، و رفاه عمومی، حفظ نظم مصلحت جامعه را تشخیص داده، محدوده استفاده از منابع را معین می‌سازد و مدیریت کارا و مناسب را اجرا کند (صادقی و فراهانی فرد، ۱۳۸۲: ص ۴۲-۴۸)؛ البته باید توجه داشت که تفاوت اساسی میان دیدگاه مکتب اسلام با مکتب سرمایه‌داری در نگاه به جهان و محیط زیست وجود دارد و این تفاوت آثار متعددی بر رفتار استفاده‌کنندگان از طبیعت در کنترل و کاهش ضایعات برجای می‌گذارد. بر اساس احکام دینی مثل حرمت اسراف و اتلاف، مسلمان تصرف محدودتری در طبیعت خواهد داشت و در وضعیت خاص، دولت محدودیت الزامی پدید می‌آورد (رضایی، ۱۳۸۲ - پ).

۱۱. تولید کالاهای دارای انحصار طبیعی

از موارد شکست بازار، تولید کالاهایی است که انحصار طبیعی دارد و هیچ‌گونه امکان رقابت

در آن نیست. در خیلی از کشورها و مکاتب، تولید این کالاها در اختیار دولت است. از مسائل مهم، مقررات ضد انحصار دولت اسلامی است. دولت اسلامی از رفتار انحصارگرایانه جلوگیری می‌کند (رضایی، ۱۳۷۷: ص ۷۹-۸۴). تولید این نوع کالاها را دولت می‌تواند به صورت تصدی‌گری یا با واگذاری به دیگران و نظارت بر قیمت کالاها و اخذ مالیات مناسب انجام دهد. الزام به مالک بودن این نوع واحدهای تولیدی وجود ندارد؛ البته باید مشکل امنیتی رخ ندهد.

۱۲. توزیع مجدد درآمد

تمام دولت‌ها برای تأمین درآمد مورد نیاز، مالیات‌های گوناگونی وضع می‌کنند و بر حسب مقدار هزینه‌های دولت، مبنای مالیات و مقدار آن تغییر می‌کند. مالیات‌ها افزون بر تأمین درآمد برای دولت، وسیله مناسب برای سیاستگذاری در زمینه توزیع درآمد است. دولت اسلامی هم با در دست داشتن انواع مالیات‌های متغیر و ثابت ضمن تأمین درآمد مناسب می‌تواند سیاستگذاری مناسب انجام دهد؛ البته یگانه راه توزیع مجدد درآمد، اخذ مالیات و صرف آن در موارد لازم نیست. دولت اسلامی با بهره‌مندی از مالکیت یا در اختیار داشتن منابع طبیعی می‌تواند برای رفع مشکلات توزیع درآمد از آن منابع استفاده، یا واگذار کند یا بفروشد و یا اجاره دهد؛ از این رو ابزارهای توزیع درآمد مجدد متعددی در اختیار دولت اسلامی است که در اختیار دیگر دولت‌های سرمایه‌داری نیست.

۱۳. توازن اجتماعی

افزون بر توزیع مجدد درآمد، کاهش فاصله سطوح درآمد جامعه به پایداری نظام اجتماعی کمک می‌کند. در نظریه‌های گوناگون، کاهش فاصله طبقاتی پس از رفع نیازهای اولیه به صورت هدف دخالت دولت مطرح نیست؛ اما دولت اسلامی در استفاده از منابع عمومی به گونه‌ای می‌ریزد که توازن اجتماعی ضربه نبیند (الصدر، ۱۴۱۷ق: ص ۶۷۳).

۱۴. شیوه تصمیم‌گیری

بحث شیوه تصمیم‌گیری به طور عمده در مکتب انتخاب عمومی بحث شده و در دیگر مکاتب با لحاظ خیرخواه بودن و بصیرت و توانایی دولت، کیفیت تصمیم‌گیری آن مورد مذاقه قرار نگرفته است. مکتب انتخاب عمومی بیان می‌دارد که به علت عدم امکان اجماع عام باید به رأی اکثریت جامعه و نمایندگان آن برای آشکارسازی ترجیحات عمومی در مورد عرضه بیش تر خدمات و

کالای عمومی تن داد؛ اما رأی اکثریت جامعه متأثر از عوامل گوناگونی است و هر چه جامعه بزرگ‌تر باشد، رأی هر فرد اثر کم‌تری دارد؛ بنابراین، رأی دهنده هزینه مناسب برای تشخیص صحت ادعای انتخاب‌شوندگان را متحمل نمی‌شود و بی‌اعتنایی عقلایی شکل می‌گیرد. از طرفی، عرضه‌کنندگان کالای سیاسی به دنبال کسب آرای بیش‌تر هستند. کارمندان دولت هم تابع انگیزه خودخواهی بوده و درصدد افزایش بودجه سازمان متبوع خود هستند. از طرفی، آرای مردم متأثر از تبلیغات گروه‌های کوچک و منتفذ بوده و سیاستمداران برای انتخاب دوباره به ناچار باید از گروه‌های ویژه حمایت کنند و گروه‌های خاص هم از امکانات خود برای اقناع اکثریت در همسویی منافع آنان با برنامه‌های سیاستمدار استفاده می‌کنند. در این وضعیت، گروه‌های خاص از رانت دولتی بهره می‌برند؛ بنابراین، فرایند سیاسی که درصدد رفع مشکل تصمیم‌گیری نظام بازار بود، به رعایت منافع گروه‌های خاص انجامید؛ حتی اگر ناکارایی یا بی‌عدالتی را گسترش دهد. غالب سیاستمداران چنین روشی را برای حضور در صحنه قدرت پیش می‌گیرند (توکلی، ۱۳۸۰: ص ۳۰۲ - ۳۱۳)؛ بنابراین نه ترجیح عمومی در آرا شکل می‌گیرد و نه دولت در جهت تحقق آن اقدام می‌کند. به جای حاکمیت اکثریت، اقلیت محدود بر مقدرات عموم مسلط می‌شود. (همان: ص ۳۵۳ و ۳۵۴).

نظام دموکراسی غربی با حاکمیت منافع فردی و جدایی انگیزه‌ای مادی از رشد معنوی به دیکتاتوری اقلیت تبدیل می‌شود؛ ولی در نظام دینی منافع مادی انگیزه اصلی سیاستمداران نیست. وضع کارگزاران در نظام اسلامی و کیفیت انتخاب آنان و حاکمیت تحقق عدالت و نظارت بر مجموعه دولت از سوی نماینده دین و مردم (رهبر دینی) و وجود عنصر عدالت و پاکی نفسانی در مدیران ارشد نظام و تزریق انگیزه خداجویی و پارسایی و خدمت به مردم باعث می‌شود تا مسئولان نظام خدمتگزار واقعی مردم معرفی شوند. رأی عمومی به صورت امانت مد نظر قرار می‌گیرد. خدمت به مردم بزرگ‌ترین عبادت شمرده می‌شود و کارمندان و مدیران مؤمن جهت کسب آخرت و معنویت از خدمت به مردم فروگذار نمی‌کنند. وظیفه مؤمن، حفظ امانت، مسئولیت اجتماعی و رفع مشکلات عمومی است. رأی دهنده هنگام رای امانت الهی را به سیاستمدار تحویل می‌دهد و انتخاب‌شونده هم از این امانت محافظت می‌کند؛ بنابراین، دولت اسلامی ترجیحات مردم را بهتر تشخیص می‌دهد و مدیران دولتی، منافع عمومی را به منافع شخصی ترجیح می‌دهند.

نتیجه‌گیری

در مقایسه دولت اسلامی، با انواع دیگر دولت‌ها در نظریات اقتصادی امور ذیل معلوم شد:

۱. رشد معنوی انسان به صورت هدف اصلی، از مختصات دولت اسلامی است.
۲. انگیزه نفع شخصی گرچه در اسلام مورد پذیرش است، در جهت تحقق معنویت ارزش دارد؛ در حالی که در دیگر مکاتب، نفع شخصی هدف اصلی فعالیت اقتصادی است.
۳. نظریه دولت اسلامی در بُعد کارگزاران تفاوت اساسی با دیگر نظریات دارد.
۴. برخورداری دولت اسلامی از منابع مالی گسترده، امکان تحقق عدالت و توازن اجتماعی را میسر می‌سازد.

۵. اصیل بودن حضور دولت در عرصه اقتصاد کنار بخش خصوصی از مختصات دولت اسلامی است.

۶. دولت دینی مکمل فعالیت بخش خصوصی و ناظر بر آن در جهت تحقق اهداف است.
۷. امکان جلوگیری از تولید کالای خصوصی با آثار منفی از طریق دولت اسلامی در مقایسه با سایر دولت‌ها بیش‌تر است.

۸. دولت اسلامی شباهت‌هایی با هر کدام از انواع دولت‌ها دارد؛ ولی نمی‌توان آن را دولت رفاه یا سوسیالیستی و یا... شمرده؛ بلکه دولت اسلامی از دیگر دولت‌ها متمایز است و باید آن را به صورت مستقل مطرح کرد.

۹. ادعای کارآمدی دولت اسلامی در مقایسه با دیگر دولت‌ها به دور از حقیقت نیست.

منابع و مأخذ

فارسی

* قرآن کریم

۱. تفضلی، فریدون، *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران، نشرنی، ۱۳۷۲ ش.
۲. توکلی، احمد، *بازار - دولت، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها: اقتصاد بخش عمومی ۲*، تهران، سمت، ۱۳۸۰ ش.
۳. دادگر، یدالله، «*مروری بر ادبیات نقش و جایگاه دولت در اقتصاد*»، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال اول، شماره دوم تابستان ۱۳۸۰ ش.
۴. _____، «*تحلیلی مقایسه‌ای از دولت در مکتب اقتصادی سیاست*» در مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد، به کوشش فراهانی‌فرد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۵. رافائل، د.د، *آدام اسمیت*، عبدالله کوثری، تهران نشر طرح نو، ۱۳۷۵ ش.
۶. رضایی، مجید، *عرضه نیروی کار بر مبنای اصول حاکم بر بازار کار اسلامی* (پایان نامه)، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۷۷ ش.
۷. رضایی، مجید، «*مالیات‌های حکومتی: مشروعیت یا عدم مشروعیت*»، نامه مفید، شماره ۳۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲ ش (الف).
۸. رضایی، مجید، «*حفظ محیط زیست در پرتو مکتب اقتصادی اسلام*»، مجموعه مقالات دومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲ ش (ب).
۹. رنایی، محسن، «*ماهیت و ساختار دولت در ایران*»، در مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد به کوشش فراهانی‌فرد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. صادقی حسین و سعید فراهانی‌فرد، «*محیط زیست از منظر دین و اقتصاد*»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره دهم، تابستان ۱۳۸۲ ش.
۱۱. عظیمی، حسین، «*دولت در علم اقتصاد و توسعه اقتصادی*»، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال اول شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰ ش.
۱۲. قحف، منذر، «*نقش اقتصادی دولت در اسلام*»، محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی، در مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد به کوشش فراهانی‌فرد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱ ش.

عربی

۱۳. فیتزپتریک، تونی، نظریه رفاه، هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. کاتوزیان محمدعلی، آدام اسمیت و ثروت ملل، تهران، شرکت سهامی جیبی، ۱۳۵۸ ش.
۱۵. کارنیک، اجیت، «نظریه‌های دخالت دولت»، محمدزمان رستمی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ش ۲۳، تابستان ۱۳۷۹ ش.
۱۶. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. نادران، الیاس، «جایگاه دولت در مکاتب لیبرالیستی» در مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد به کوشش فراهانی فرد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۱۸. وینسنت، اندرو، نظریه‌های دولت، حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاة، تهران، مکتب نشرالثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۸-۱۴۱۰ ق.
۲۰. رضی ابوالحسن، شریف، نهج البلاغه، تحقیق الدكتور صبحی الصالح، قم، مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۲۱. ریشه‌ری، محمد، موسوعة الامام علی بن ابیطالب علیه السلام فی الکتاب والسنة والتاریخ، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۱ ش.
۲۲. صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۳. _____، الاسلام یعود الحیاة، قم، مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۴۲۱ ق.
۲۴. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، قم مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. محمودی، محمد باقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، النجف الاشرف، المطبعة النعمان، الطبعة الاولى، ۱۳۷۸ ق.
۲۸. منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه وفقه الدولة الاسلامیه، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
۲۹. موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، النجف الاشرف، مطبعة الآداب.